

کنترل کیفیت و نظارت در سه پرسش:

رعایت

کفایت

و ارتقا

موضوع محوری این شماره فصلنامه حسابرس به «کنترل کیفیت و نظارت» در حرفه حسابرسی اختصاص دارد. در این شماره می‌خواهیم وضعیت کنونی کنترل کیفیت و نظارت را در راستای دستیابی به رهنمودهایی برای آینده بررسی کنیم تا با توجه به تجربه‌هایی که تاکنون داشته‌ایم مشکلات و موانع اجرای کنترل کیفیت را بررسیده و به راهکارهای توسعه و گسترش آن بپردازیم. از این رو بر آن شدیم تا از دیدگاههای صاحب‌نظران و کارشناسان متخصص، مطلع، دارای آشنایی و تجربه برای طرح موضوع استفاده کنیم.

پرسشهایی که برای صاحب‌نظران مطلع و دست‌اندرکار حرفه مطرح شد به این منظور بود که فرصتی فراهم آید تا با طرح دیدگاههای ایشان که هر یک در حوزه خاصی از حرفه مشغول به فعالیت هستند، در حد امکان آگاهیهای لازم را به مخاطبان و خوانندگان مجله حسابرس ارائه کنیم.

پرسشهایی که با این کارشناسان در میان گذاشتیم این سه سؤال بود:

- در ایران، تا چه اندازه حسابرسان استانداردهای حسابرسی را رعایت می‌کنند؟
 - نظام کنترل کیفیت در حرفه حسابرسی در ایران تا چه اندازه کافی است و چه کمبودهایی دارد؟
 - پیشنهادهای شما برای ارتقای کیفیت خدمات حسابرسی چیست؟
- امیدواریم در این مجال کوتاه توانسته باشیم محورهای مهم و زاویه دید این دوستان بزرگوار را به خوانندگان مجله حسابرس ارائه کنیم. بجا و شایسته است که بار دیگر صرف وقت و همکاری این بزرگواران را در پاسخ به پرسشهای پیشگفته ارج بسیار نهیم و از توجهشان سپاسگزاری کنیم.



جواد بستانیان

(حسابدار رسمی شاغل، شریک موسسه حسابرسی در بخش خصوصی و عضو شورای عالی جامعه حسابداران رسمی ایران)

هر بنگاه اقتصادی برای دوام در جامعه رقابتی باید کیفیت کالا یا خدمات خود را به سطح قابل قبول مشتریان و متناسب با درآمد مورد انتظار خود برساند. حسابرسان، در چارچوب این فرض بدیهی، کیفیت موردنظر چه کسانی را باید مورد توجه قرار دهند؟ اگر آنها بخواهند کیفیت مورد نظر مشتریان یا صاحبکاران خود یعنی امضاکنندگان قرارداد حسابرسی را مورد توجه قرار دهند، کار آنها الزاماً کیفیت مطلوبی نخواهد داشت. ممکن است بسیاری از صاحبکاران تمایل داشته باشند که حتی المقدور در مقابل پرداخت حق الزحمه کم، و اگر آن ممکن نشد، در مقابل حق الزحمه بیشتر، کاری با کیفیت کم برای آنان انجام شود و گزارشی دریافت کنند که بسیاری از تحریفها و رعایت نشدن مقررات در آن درج نشود. ممکن است صاحبکاران بزرگتر حتی سعی کنند با مراجعه به موسسه های حسابرسی مختلف و ارجاع تعداد کمی کار به هر موسسه حسابرسی، از رقابت موسسات حسابرسی در تعیین حق الزحمه و عدم ارائه خدمات با کیفیت مطلوب استفاده کنند. در بسیاری از موارد منافع صاحبان سرمایه و مدیران واحدهای اقتصادی همسو می شود. در موارد زیادی صاحبان سرمایه، همان مدیران واحدها هستند. از ارائه مجموعه صورتهای مالی که وضعیت یک شرکت پذیرفته شده در بورس را بهتر از آنچه هست نشان می دهد، هم صاحبان سرمایه آن شرکت سود می برند و هم مدیران آن.

اینها شرایطی است که موجب توجه به مسئولیت اجتماعی حسابرسان شده است. در حال حاضر هیچ اندیشمندی حسابرسی را به عنوان یک شغل که فقط منبع درآمد تلقی شود، نمی شناسد.

حسابرس با آنکه قرارداد حسابرسی را با واحدهای اقتصادی می بندد، نمی تواند در صدد جلب نظر مدیران یا صاحبان سهام آن واحدها برآید و باید وظیفه خود را به گونه ای انجام دهد که جامعه به عنوان یک مجموعه کلی انتظار دارد.

از این نظر حسابرسی یکی از حرفه های انگشت شماری است که چنین ویژگی ای دارد. در حسابرسی کیفیت باید به وسیله مراجع بیطرفی که نماینده جامعه هستند تعریف شود و هیچ صاحبکاری نمی تواند خدمات حسابرسی را بدون رعایت آن کیفیت از حسابرس بخواهد. استانداردهای حسابرسی کیفیت موردنظر جامعه را از خدمات حسابرسی، و آیین رفتار حرفه ای، چگونگی رفتار حسابرسان را بیان و تعریف می کنند. بنابراین معیار کیفیت حسابرسی، استانداردهای حسابرسی و معیار کیفیت رفتار حسابرسان، آیین رفتار حرفه ای است. در بسیاری از کشورهای جهان در صورتی که حسابرس کیفیت قابل قبول را چه در چگونگی انجام کار و چه در رفتار حرفه ای رعایت نکند، هر یک از اشخاص ذینفع می تواند خسارت وارد به خود را که در اثر رعایت نکردن کیفیتهای فوق ایجاد شده از حسابرس مطالبه کند. بر همین اساس حسابرسان رعایت نکردن کیفیت را حتی از جنبه مادی به نفع خود نمی بینند و لزوم مراقبت از رفتار حرفه ای و انجام کار براساس استانداردهای حسابرسی، آنان را وادار کرده است که هم در موسسات بزرگ مجتمع شوند و هم مراقبتهای لازم را به عمل آورند تا خطایی در انجام کار خود نکنند. با آنکه چنین سازوکاری خود موجب تقویت نظارت و کنترل حرفه ای و ارتقای کیفیت است، باز هم جوامع حرفه ای مربوط، بر چگونگی کار و رفتار آنان نظارت می کنند.

میزان رعایت استانداردهای حسابرسی در ایران و دلایل آن

در ایران سازوکار مطالبه و دریافت خسارت ناشی از زیان حاصل از رعایت نکردن آیین رفتار حرفه ای یا استانداردهای حسابرسی که ممکن است به اشخاص مختلف از جمله سهامداران خرد و کلان، دولت، وام دهندگان و نظایر آنها وارد آید، هنوز به مرحله اجرا نرسیده است. البته پابگیری چنین سازوکاری بعید هم نیست و محمل قانونی آن هم در قانون مدنی وجود دارد. اما چون تاکنون دامن حسابرسان را نگرفته، حسابرسان چنین خطری را احساس نمی کنند.

بر اساس بخش ۱۲ استانداردهای حسابرسی در مورد کنترل کیفیت، موسسات حسابرسی باید نظام کنترل کیفیت را در موسسه خود

برقرار کنند. به این منظور آنان باید هم در سطح موسسه حسابرسی و هم در هر کار حسابرسی، سیاستها و روشهای کنترل کیفیت را تعیین کنند و انجام دهند. براساس نتایج کنترل کیفیت در سطح موسسات حسابرسی که توسط جامعه حسابداران رسمی ایران انجام شده است تعداد زیادی از موسسات حسابرسی، استانداردهای حسابرسی و به عنوان اولین گام استاندارد حسابرسی کنترل کیفیت و همچنین آیین رفتار حرفه‌ای را به میزان درخور قبولی رعایت نمی‌کنند. دلایل این امر را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

یکم- موسسات حسابرسی کوچک

حسابرسان در ایران به جای آنکه در تعداد کمی موسسه مجتمع شوند و ضمن قبول شرایط شراکت و موسسه داری، موسسات حسابرسی بزرگ تشکیل دهند، با توجه به محدودیت حداقل سه شریک برای تاسیس یک موسسه حسابرسی، با همان حداقل، موسسات حسابرسی را تشکیل داده‌اند. به همین دلیل تعداد موسسات حسابرسی فعال در ایران از تعداد موسسات حسابرسی فعال در اکثر کشورهایی که اقتصادی چندین برابر بزرگتر از ایران دارند بیشتر است. همان گونه که پیشتر گفته شد، صاحبکاران نیز در ایجاد چنین شرایطی موثرند و مثلاً صاحبکاران بزرگ، ترجیح می‌دهند به هر موسسه تعداد محدودی کار ارجاع کنند. موسسه حسابرسی کوچک امکان سازماندهی مناسب برای اجرای استانداردهای حسابرسی را ندارد، زیرا اجرای آن استانداردها در هر موسسه حسابرسی، به برنامه ریزی، نظارت، تدوین دستورعمل، اموراداری، امور آموزشی و نظایر آن نیاز دارد که برای یک موسسه کوچک مقرون به صرفه نیست.

با توجه به اینکه حسابرسان طبق مقررات موجود باید موارد رعایت نشدن قوانین و مقررات مالی و تجاری را نیز گزارش کنند و حجم این مقررات بسیار زیاد است و دائماً در حال تغییر نیز هستند، بررسی و استخراج این مقررات و تعیین مقررات منسوخ و اطلاع و آموزش مقررات جدید به کارکنان موسسه، به امکانات و انرژی فراوانی نیاز دارد. همین امر در مورد وقایع اقتصادی که بر کار حسابرسان اثر می‌گذارد و همچنین تغییرات در استانداردهای حسابداری و حسابرسی نیز مصداق دارد.

دوم- رقابت نامعقول

موسسات حسابرسی ایران که بیشتر عمر کوتاهی هم دارند، برای رشد و بقای خود و در غیاب کنترل کیفیت جامع و کامل می‌کوشند حق الزحمه کمی برای کار خود پیشنهاد کنند تا کار را به دست آورند و با اینکه این حق الزحمه را خود تعیین و پیشنهاد کرده‌اند، نمی‌توانند با آن امور موسسه خود را به طور مطلوب و مطابق با استانداردهای حسابرسی اداره کنند و به جای آنکه در این رویه خود تجدیدنظر و تعمق کنند، در مقابل افراد مختلف و از جمله صاحبکاران از کم بودن حق الزحمه حسابرسی شکایت می‌کنند.

سوم- نبود امکان جذب دانش‌آموختگان ممتاز

علاوه بر آنکه دانشگاههای خوب کشور تعداد کافی دانشجوی حسابداری تربیت نمی‌کنند، موسسات حسابرسی که به طور خودخواسته درآمدشان ناکافی است، توانایی جذب دانش‌آموختگان ممتاز و نخبه حسابداری را ندارند و صاحبکاران نیز دانش‌آموختگان را با پرداختهای بیشتر جذب می‌کنند و تعداد زیادی از رتبه‌های اول تحصیلات کارشناسی را در کارهای اجرایی حسابداری یا شبه حسابداری که ممکن است توسط یک فرد بدون تحصیلات دانشگاهی هم انجام شود به کار می‌گمارند و این تخصیص غیر بهینه نیروی انسانی به مدد پرداخت خوب در واحدهای اجرایی صاحبکار و ناتوانی موسسات حسابرسی در پرداخت حقوق همسطح آنان که خود در نتیجه قبول حق الزحمه‌های ناکافی حسابرسی است، انجام می‌شود.

چهارم- ترکیب نامناسب کارکنان

بسیاری از موسسات حسابرسی برای پوشش ترکیب حداقل تعیین شده براساس آیین نامه سقف مجاز ارائه خدمات تخصصی و حرفه‌ای، رعایت شرایط حداقل ارتقا به رتبه‌های بالاتر حسابرسی را زیرپا می‌گذارند و برخلاف استانداردهای حسابرسی، کارکنانی را که دانش و تجربه کافی انجام کار ندارند، به سمت بالاتر ارتقا می‌دهند. از طرف دیگر در حالی که در جهان نسبت شریک موسسات حسابرسی به کل کارکنان حدود یک به ده است، در مورد شرایط تعیین شده در آیین نامه سقف مجاز خدمات که به دلیل ملا حظات مختلف اقلیمی این نسبت را تا یک به بیست و سه افزایش داده است، معترضند و انتظار دارند این نسبت باز هم پایینتر بیاید.

پنجم- تطابق نداشتن شرایط احراز صلاحیت با وظایف حسابرسان

تعداد نسبتاً زیادی از حسابداران رسمی که مجاز به انجام خدمات حسابرسی هستند، حتی در سطح سرپرست حسابرسی نیز کار

حسابرسی انجام نداده اند و بعضی نیز اصولاً در هیچ رتبه ای کار حسابرسی نکرده اند و اولین تجربه شان با سمت شریک حسابرسی شروع می شود. به جز اشخاصی که در دوره اول معاف از آزمون و معاف از نیاز به سابقه حسابرسی بوده اند، در حال حاضر طبق آیین نامه تشخیص صلاحیت حسابداران رسمی، دارا بودن سه سال سابقه کار حسابرسی برای شرکت در آزمون و احراز عنوان حسابدار رسمی پس از قبولی در آزمون کافی است. در حالی که حسابرسی حرفه ای است که علاوه بر دانش و تخصص علمی، مستلزم داشتن تجربه حرفه ای حسابرسی در رتبه های مختلف و تحت سرپرستی و نظارت افرادی در رتبه های بالا تراست تا ضمن فراگیری فنون کار، چگونگی مواجهه با شرایط مختلف آموزش داده شود، ضمن آنکه برای کسب منش و اخلاق حرفه ای نیز ممارست با آموزگاران با تجربه لازم است.

آیا اگر به فرض، فردی همه قوانین را نیز از بر بداند، بدون کسب تجربه و تحت نظارت و سرپرستی قضات با تجربه می تواند در جایگاه قضاوت بنشیند؟

نششم- نبود محدودیت سنی و دوری از حرفه

با آنکه حسابرسی حرفه ای پرتکاپوست و هر روز مفاهیم جدیدی در آن مطرح می شود، طبق مقررات موجود در کشور ما، کاری تلقی شده است که هر کس می تواند پس از حسابدار رسمی شدن، در هر زمان به آن مشغول شود و هیچ محدودیتی از نظر سن ندارد، ضمن آنکه حسابدار رسمی می تواند سالها از حرفه حسابرسی دور باشد و غیر شاغل شناخته شود و به محض تصمیم گرفتن نسبت به شروع مجدد کار، یکروزه به حسابرسان فعال بپیوندد.

این گونه ترتیبات این مفهوم را دربردارد که حسابرسی کاری است که برای دوران بازنشستگی مناسب است. در حالی که حتی با حرفه های غیر تخصصی و عادی جامعه نیز چنین برخوردی نمی شود.

پیشنهادهایی برای بهبود کیفیت حسابرسی

برای ارتقای کیفیت خدمات حسابرسی رعایت و توجه به نکات زیر ضروری است:

یکم- با توجه به اینکه طبق مقررات فعلی، حسابدار رسمی فردی است که می تواند گزارش حسابرسی را امضا و صادر کند، شرایط انتخاب وی، باید به گونه ای تغییر کند که فردی که به این عنوان انتخاب می شود تجربه و ممارست حرفه ای لازم را دارا باشد و قبلاً در رتبه مدیر حسابرسی کار کرده باشد.

دوم- حسابداران رسمی غیر شاغل در صورت تمایل به کار در حرفه با توجه به زمان دوری از انجام کار حسابرسی، باید فقط در موسساتی شریک شوند که تعداد قابل قبولی شریک با سابقه ممتد حسابرسی در زمان مورد نظر داشته باشند و آن گونه حسابداران رسمی نتوانند مستقلاً بلافاصله گزارش حسابرسی امضا کنند.

سوم- برای شرکای موسسات حسابرسی حداکثر سن تعیین شود و بعد از آن سن فقط کسانی که تا آن تاریخ به طور پیوسته به کار حسابرسی مشغول بوده اند بتوانند در کنار تعداد قابل قبولی شرکای با سنین کمتر به عنوان شریک در موسسه فعالیت کنند.

چهارم- انجام خدمات حسابرسی برای حسابداران رسمی شاغل انفرادی ممنوع شود زیرا کنترل کیفیت نزد حسابدار رسمی انفرادی تقریباً بی معناست.

پنجم- موسسات حسابرسی به صورت تخصصی فعالیت کنند و موسساتی که به خدمات حسابرسی مشغولند در سایر رشته ها فعالیت نکنند.

ششم- تعداد حداقل شرکای موسسات به تدریج افزایش یابد به نحوی که موسسات حسابرسی به سوی بزرگ شدن سوق داده شوند و حسابداران رسمی اجباراً کار و شراکت با یکدیگر را تمرین کنند.

هفتم- موسسات حسابرسی به رعایت الزامات استانداردهای حسابرسی، آیین رفتار حرفه ای و مقررات وضع شده توسط جامعه حسابداران رسمی مجبور شوند و هزینه رعایت نشدن آن الزامات برای آنان زیاد شود تا برای رقابت در نرخ، امکان زیر پا گذاشتن کیفیت را نداشته باشند. این امر موجب وضع نظام کنترل کیفیت در سطح موسسه و در سطح کار حسابرسی توسط موسسات حسابرسی خواهد شد.



حسین بجنوردی

(سرپرست ارشد حسابرسی در سازمان حسابرسی و مدرس دانشگاه)

حسابرس مستقل باید بتواند پاسخگویی نیازهای اجتماعی باشد. برای دستیابی به این هدف، حسابرس باید خود را با تغییرات مستمر موجود در جامعه و اقتصاد کشور تطبیق دهد و کار حسابرسی را با نظام مناسبی اجرا کند. همان گونه که حسابرس مستقل از لحاظ اجتماعی به پاسخگویی مدیریتی و نظارت بر شرکتها کمک می کند، خود نیز باید پاسخگو باشد؛ پاسخگویی در قبال نحوه اعمال استانداردهای حسابرسی و اظهارنظر خویش. بدیهی است که در این بین سیستم کنترل کیفیت از یک سو با ارزیابی نحوه رعایت استانداردهای حسابرسی توسط حسابرسان مستقل به پاسخگویی حسابرس یاری می رساند و از طرف دیگر با توجه به ماهیت نظارتی و کنترل خویش ذاتاً باعث رعایت کاملتر ضوابط اجرایی استانداردها می شود. نظام کنترل کیفیت باید به گونه ای رفتار کند که ضمن نظارت بر عملکرد حسابرسان به ادعاهای احتمالی رعایت نشدن استانداردهای حسابرسی از سوی اشخاص دیگر رسیدگی کند، تا دخالت غیر حرفه ای در تشخیص رعایت یا عدم رعایت استانداردها صورت نگیرد.

بدیهی است که فرایند پاسخگویی حسابرس مستقل و نیز عملکرد مناسب نظام کنترل کیفیت در راستای هدفهای عالی حسابرسی مستقل، منوط به وجود شرایط خاص خود است، به گونه ای که حسابرسان در صورت درک کامل استانداردهای حسابرسی و نبود ابهام در نحوه اعمال این استانداردها و روشهای آن (و در عین حال رضایت شغلی) به سهولت و به صورتی مستند در قبال مسئولیت خویش پاسخگو خواهند بود. در این زمینه یادآوری می شود که با اینکه از زمان لازم الاجرا شدن استانداردهای حسابرسی، بهبود قابل توجهی در نظام بخشی به حرفه حسابرسی و رعایت استانداردها به وقوع پیوسته است، لکن به نظر می رسد که تحقق کامل فرایند درک و اعمال استانداردها در میان حسابرسان مستقل، زمان بیشتری را طلب می کند. نبود امکان اعمال دقیق و کامل مفاهیمی چون ریسک حسابرسی، نمونه گیری و غیره، مصادیقی برای نیاز به زمان بیشتر در این خصوص شمرده می شود.

از جانب دیگر عملکرد موثر نظام کنترل کیفیت نیز می تواند تابعی از موارد پیشگفته باشد، به طوری که این نظام در عین حالی که باید خواسته ها و معیارهایش را با واقعیات و نوپایی استانداردها هماهنگ سازد، باید نمود مشخصتری در متن حرفه ایفا کند و معیارهای ملموسی را برای ارزیابی رعایت استانداردها ارائه دهد و راهکارهای اجرایی در اعمال استانداردها و رفع محدودیتها را در ارتباط مستمر با حسابرسان مستقل تبیین نماید.

سرانجام اینکه آموزش حرفه ای مستمر استانداردهای حسابرسی به حسابرسان مستقل و رفع ابهامات آنها در نحوه اعمال استانداردها از یک سو به رعایت مناسب استانداردهای حسابرسی کمک بسیار می کند و از سوی دیگر تعیین معیارهای مناسب برای عناصر کنترل کیفیت (خصوصاً در سطح هر کار حسابرسی)، همچنین ترفیعات و بازرسی مستمر، بهبود چشمگیری را در نظام کنترل کیفیت پدید می آورد.

هوشنگ خستوئی

حسابدار رسمی - حسابدار مستقل



حوزه اجرای رعایت استانداردهای حسابرسی به سه محدوده زیر تفکیک می شود:

حوزه اول - رعایت به مفهوم تام یعنی اجرای کار حسابرسی در انطباق کامل و بدون هرگونه انحراف و چشمپوشی.

حوزه دوم - رعایت به میزان لازم و قابل اجرا در محیط حرفه ای و کاری ایران یعنی اجرای کار در راستای کلی استانداردها.

حوزه سوم - عدم رعایت به مفهوم تام یعنی اجرای کار بدون توجه به استانداردها.

دستیابی به مصداقهای بارز در حوزه های اول و سوم و به ویژه سوم، اگر نگوئیم غیر ممکن، کاری است دشوار. بنابراین در بدترین حالتی ممکن هم به هر حال نگاهی به استانداردهای حسابرسی، به خصوص در شکل گزارشگری آن وجود دارد.

عناصر بسیاری را برای عدم رعایت به مفهوم تام می توان بر شمرد از جمله متوازن نبودن حق الزحمه های حسابرسی با کار منطبق با حوزه

اول. با نگاهی «ارتدوکسی» به قضیه برای اثبات ادعایم کافی است توجه کنیم به حق الزحمه حسابرسی ۱۷ شرکت تراز اول بورس اوراق بهادار که بیش از ۵۰ درصد از حجم بازار را به خود اختصاص داده اند؛ بی تردید به رقم شگفت انگیز حقارت آمیزی خواهیم رسید. در چنین حالتی چگونه می توان انتظار رعایت تام را داشت. بنابراین حوزه دوم سطحی است که اکثریت حسابرسان خود را در آن محدود به رعایت استانداردها دلخوش می کنند.

در ارتباط با کمبودهای نظام کنترل کیفیت به نظر من اقدامات و تمهیدات شورای عالی اول و شاید هم دوم جامعه حسابداران رسمی ایران، برای این منظور در شرایط فعلی با وجود کمبودهایی مشهود، کافی به مقصود است به شرط آن که عوامل اجرایی آن از هر نظر آماده شده و به دور از هرگونه اعمال نظر به مرحله اجرا درآید. با گذشت زمان این مکانیسم می تواند متکاملتر شده و نقایص احتمالی را رفع کند. به نظر این جانب برای ارتقای کیفیت حسابرسی نخست لازم است این رویکرد با توجه به برداشت کلی و مورد نیاز از ضرورت برقراری فرهنگ حسابخواهی مورد مطالعه جامع قرار گیرد و سپس مکانیسم و ابزارها با توجه به نتایج بررسی در این زمینه تدوین شود. چنین اقدامی می تواند هم افزایی بیشتری را فراهم آورد. تردید نباید کرد که در چنین بررسیهایی باید جایگاه استفاده کنندگان از خدمات و مشارکت دادن این نیازمندان به حرفه، کاملاً مورد توجه قرار گیرد.

حسین خطیب زاده (سرپرست ارشد گروه حسابرسی)

تدوین استانداردهای حسابداری و حسابرسی بر عهده سازمان حسابرسی محول شده است. این سازمان با انتشار دهها نشریه تخصصی در زمینه حسابداری و حسابرسی فضای مناسبی جهت ارتقای دانش متخصصان این رشته فراهم آورده است. سازمان یادشده به عنوان بزرگترین موسسه حرفه ای در ایران با تشکیل کلاسهای آموزشی برای کارکنان خود کوشیده است توانایی آنان را افزایش دهد. از سوی دیگر برگزاری کلاسها و همایشها از سوی جامعه حسابداران رسمی ایران نیز تا حدودی توانسته است دانش حرفه ای حسابداران رسمی را بالا برد. پس می توان اظهار داشت که استانداردهای حسابرسی تا حد درخور ملا حظه ای از سوی حسابرسان رعایت می شود. اما موضوعی که اهمیت دارد طرز تلقی حسابرسان از استانداردهای حسابداری و حسابرسی است که بعضاً موجب کاهش رعایت استانداردهای حسابرسی و حسابداری می شود.

بر اساس استانداردهای حسابرسی، سیاستها و روشهای کنترل کیفیت باید هم در سطح موسسه حسابرسی و هم در هر کار حسابرسی اعمال شود و موسسات حسابرسی باید سیاستها و روشهای کنترل کیفیت را به گونه ای طراحی و مستقر کنند که از انجام کلیه عملیات طبق استانداردهای حسابرسی اطمینانی معقول به دست آورند.

سیاستهای کنترل کیفیت لازم برای هر موسسه حسابرسی با توجه به مواردی همچون الزامات حرفه ای، مهارت و صلاحیت حرفه ای، تقسیم کار بین کارکنان، نظارت، مشاوره، پذیرش و حفظ صاحبکار و سرانجام، کنترل و بازبینی تعیین می شود. بنابراین کنترل کیفیت در هر موسسه و در هر کار، نسبت به موارد دیگر تفاوت دارد. با توجه به تعداد موسسات حسابرسی کوچک در ایران و با عنایت به بودجه های کارهای حسابرسی که اقلام بالایی را شامل نمی شوند، بسیاری از موسسات از کارکنانی که دارای صلاحیت و دانش کمتری هستند برای عملیات حسابرسی استفاده می کنند. همچنین فاقد کمیته کنترل کیفیت اند، و بسیاری مشکلات مشابه دیگر.

بحث نظارت و کنترل کیفیت، مانند موضوع بودجه و نظارت بر آن است بدین معنی که برخی از کنترلها برای بالا بردن کیفیت کار باید قبل از انجام حسابرسی صورت پذیرد و برخی از کنترلها در طی عملیات حسابرسی انجام می شود و سرانجام، برخی از کنترلها نیز باید پس از انجام عملیات حسابرسی مدنظر قرار گیرد. هر چه این سه مرحله در راستای هم باشند، نتیجه کنترل کیفیت و نظارت ملموس تر و مفیدتر خواهد بود و در جهت انجام کارهای حسابرسی با کیفیت بالا تر صورت می پذیرد.

برخی کمبودهای موجود در خصوص بحث کنترل کیفیت به شرح زیر است:

- ۱- استفاده از کارکنان با سوابق حرفه ای کم که آموزشهای کافی را نیاموخته اند،
- ۲- در موسسات بزرگ حسابرسی (مثل سازمان حسابرسی) وجود سرپرستان متعدد در یک کار،
- ۳- عدم استفاده کافی از مشاوران در جهت رفع ابهامات پیش آمده در حسابرسی،

- ۴- حق الزحمه های مشروط در برخی موسسات حسابرسی کوچک،
- ۵- نبود کنترل های کافی در خصوص کنترل و بازبینی پرونده ها بخصوص در بخش موسسات حسابرسی کوچک،
- ۶- نبود برنامه های حسابرسی کارآمد و همچنین عدم تکمیل برنامه های مدون توسط حسابرسان،
- ۷- استفاده نکردن از رایانه و برنامه های مربوط در کارهای حسابرسی و در نتیجه پر حجم بودن برخی موارد رسیدگی و کنترل آن از سوی سرپرست،
- ۸- عدم ارتقای شغلی کارکنان و یا برخورد تبعیض آمیز بین کارکنان که به بی انگیزگی کارکنان و در نتیجه ارائه کارها با کیفیت پایین مربوط می شود،
- ۹- نامناسب بودن نحوه تقسیم کار بین مدیران و سرپرستان در موسسات بزرگ،
- ۱۰- جابه جا نکردن کارها در سطح مدیران یک موسسه.

برای بالا بردن کیفیت خدمات حسابرسی کنترل و نظارت باید قبل از عملیات حسابرسی، در جریان عملیات حسابرسی و پس از عملیات حسابرسی انجام گیرد و همبستگی بین سه مرحله مذکور وجود داشته باشد. از آنجایی که حسابرسی حرفه ای کیفی است لذا می بایست ضمن برطرف کردن کمبودهای اشاره شده در بحث کنترل کیفیت، سیاستهای تشویقی جهت جبران کمبودهای یادشده به کار گرفته شود و در ارزیابی کارکنان، وزن کیفیت کار انجام شده می باید در محاسبات پاداش کارمندان مورد نظر قرار گیرد.

مجتبی علی میرزایی (عضو هیئت عامل سازمان حسابرسی)

۱- ارائه پاسخ کلی به این سؤال که در ایران استانداردهای حسابرسی تا چه اندازه رعایت می شود، بدون انجام تحقیقات و بررسیهای لازم خالی از ایراد نیست و هیچ نهاد یا سازمانی در این خصوص اقدام به بررسی نکرده است. به ویژه اینکه، با تشکیل جامعه حسابداران رسمی ایران و گسترش موسسات حسابرسی در چندساله اخیر و نبود اطلاعات در خصوص چگونگی رعایت استانداردهای حسابرسی توسط این موسسات، ارائه پاسخ کلی مشکلتر نیز می شود. با این حال، براساس دانسته ها و شنیده ها، یک جمعبندی کلی و کاملاً نظری به شرح زیر ارائه می شود:

میزان رعایت استانداردهای حسابرسی:

سازمان حسابرسی	۷۰ تا ۸۰ درصد
موسسات بزرگ	۵۰ تا ۷۰ درصد
موسسات کوچک و جدید	۴۰ تا ۶۰ درصد

توجه شود که در ارائه نظر فوق موارد متعددی مدنظر بوده است که از آن جمله می توان به وجود کنترل کیفیت در داخل موسسه، آموزش مستمر، استفاده از دستورالعملهای مدون، انجام حسابرسی مبتنی بر ریسک یا سیستم استفاده از نیروهای مناسب در رده های مختلف اشاره کرد.

نظام کنترل کیفیت را باید با توجه به نوع موسسه حسابرسی ارزیابی کرد:

الف- آنچه به سازمان حسابرسی مربوط می شود، به لحاظ وجود کمیته کنترل کیفیت و مدیریت کنترل کیفیت که از مدیران با تجربه جهت کنترل کیفیت پرونده های حسابرسی استفاده می کنند و نیز با توجه به اینکه نتایج بررسیهای انجام شده، در ارتقای کارکنان و نیز پرداخت بخشی از حقوق و مزایا تاثیر بسزایی دارد لذا در شرایط حاضر به نظر این جانب نظام کنترل کیفیت از کفایت لازم برخوردار است اگر چه کماکان انجام بهبودهای کمی و کیفی در عملکرد آن ضروری است، که از جمله می توان به انجام بررسیهای کیفی در حین انجام کار توسط گروه حسابرسی اشاره کرد.

ب- آنچه به سایر موسسات حسابرسی مربوط می شود اساساً به لحاظ تعداد شرکا، میزان کار و تعداد نیرو و در این موسسات، برقراری نظام کنترل کیفیت در داخل موسسه عملی نیست مگر کنترل هایی که در زمان انجام کار صورت می گیرد که فکر نمی کنم رایج باشد. بنابراین نقش

جامعه حسابداران رسمی ایران در این زمینه بسیار مهم خواهد بود. تا آنجا که اطلاع داریم اقدامات اولیه‌ای در زمینه انطباق وضعیت موسسات حسابرسی با استانداردهای عمومی صورت گرفته است که قطعاً کافی نیست و انجام کنترل کیفی نسبت به پرونده‌های حسابرسی موسسات به طور مستمر یک ضرورت است.

پیشنهادهای این جانب برای ارتقای کیفیت خدمات حسابرسی به شرح زیر است:

الف- نظارت جامعه حسابداران رسمی ایران بر رعایت آیین رفتار حرفه‌ای توسط اعضا، کنترل کیفی کار ایشان و نظارت بر چگونگی تعیین حق الزحمه‌ها به منظور پرهیز از رقابت‌های بی‌مورد که موجب کاهش ارزش کار حساببران در سطح جامعه می‌شود و بر خورد‌های انضباطی لازم. ب- تلاش جامعه حسابداران رسمی ایران برای شناساندن حرفه به دست اندرکاران دولتی به منظور قرار گرفتن فعالیتهای اقتصادی بیشتر تحت پوشش حسابرسی، با دو هدف سالم سازی و شفاف سازی اقتصادی و نیز ایجاد امنیت شغلی مناسب برای حساببران به نحوی که مجبور نباشند تجربه‌های حسابرسی چندین ساله را به دلیل کمبود کار، رها کرده و به فعالیتهای دیگر روی آورند.



منوچهر رزبان

(حسابرس)

این جانب از رعایت استانداردهای حسابرسی توسط جامعه حرفه‌ای حسابرسی در ایران (موسسات حسابرسی) اطلاع دقیقی ندارم، لیکن در محدوده‌ای که خود با آن درگیر بوده‌ام مشاهده شده حسابرسان همواره در تلاش برای رعایت هرچه بهتر استانداردهای حسابرسی بوده‌اند و در صورتی که مواردی به طور تمام و کمال اجرا نشده به لحاظ فراهم نبودن امکانات و شرایط لازم به ویژه آموزش در این خصوص بوده است.

با توجه به تصویب آیین نامه‌ای با عنوان «آیین نامه نظارت حرفه‌ای جامعه حسابداران رسمی در ایران» در تاریخ ۱۳۸۳/۵/۱۲ که مدت زیادی از تصویب و اجرای آن نمی‌گذرد، به نظر این جانب اظهار نظر در خصوص کیفیت و کمبودهای آن بسیار زود است لیکن به نظر نمی‌رسد آیین نامه مذکور که نظام کنترل کیفیت در حرفه حسابرسی در ایران را دربر می‌گیرد در صورت اجرای درست آن مسئله‌ای اساسی داشته باشد و انشاءالله باعث ارتقای کیفیت کار حسابرسی در ایران می‌گردد.

برای ارتقای کیفیت خدمات حسابرسی، فراهم آوردن محیطی برای شکلگیری موسسات حسابرسی با اندازه متوسط (نه کمتر از حدود ۱۰۰ نفر، و نه بیش از حدود ۱۵۰ نفر حسابرسان حرفه‌ای) لازم است که این امر می‌تواند در شرایط رقابت سالم بین آنها باعث ارتقای کیفیت خدمات حسابرسی و حتی ایجاد ارتباط با موسسات حسابرسی بین‌المللی شود، که خود باعث ارتقای کیفیت خدمات حسابرسی می‌گردد.

مسعود دیزه‌ای

(حسابدار رسمی - مدیر گروه حسابرسی در سازمان حسابرسی)

عملکرد هر حرفه و کیفیت آن بستگی مستقیم با میزان تواناییهای حرفه‌ای شاغلان در آن، میزان الزامات و نظارت‌های حاکم و نیز پابندی و اعتقاد اعضا به آن حرفه دارد. حرفه حسابرسی نیز از این اصل مستثنی نیست. به منظور یافتن پاسخ سوال اول می‌باید ابتدا شاغلان این حرفه را با توجه به معیارهای مذکور شناسایی و گروه‌بندی کرد. لذا شاغلان به گروه‌های زیر طبقه‌بندی می‌شوند:

۱- موسسات حسابرسی دولتی یا وابسته به دولت (نهادهای)،

۲- موسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران،

۳- شاغلان انفرادی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران،

۴- سایرین.

به دلیل تواناییهای بالقوه موجود در موسسات دسته اول و نیز اعمال نظارت‌های قانونی بیشتر و الزامات موجود در ساختار سازمانی این موسسات، انتظار می‌رود که استانداردهای حسابرسی در این قبیل موسسات به طور موثری اعمال شود، اگر چه میزان اعمال آن در موسسات

مختلف به یک اندازه نیست و تابعی از تواناییهای حرفه‌ای و میزان الزامات قانونی حاکم بر عملکرد هر کدام از این موسسات است. بنابراین دلایل مشابه فوق، در موسسات حسابرسی عضو جامعه نیز می‌توان انتظار داشت که استانداردهای مربوط مراعات شود لیکن به دلیل اینکه میزان توانایی، الزامات و نظارت‌های کمتری در مورد این دسته نسبت به دسته اول وجود دارد، احتمال اینکه رعایت استانداردها در این دسته کمتر از موسسات دسته اول باشد قابل تصور است. اما با توجه به اینکه تواناییهای هر موسسه نسبت به موسسه دیگر متفاوت است و این تفاوت طیف وسیعی نیز دارد، لذا میزان اعمال استانداردهای حسابرسی در عملکرد این قبیل موسسات به طور طبیعی دارای طیف گسترده‌ای خواهد بود. توانایی حرفه‌ای دسته سوم شاغلان، اشخاص حقیقی عضو جامعه حسابداران رسمی، در حد توانایی یک فرد خلاصه شده و نمی‌توان انتظار داشت که استانداردهای حسابرسی را به نحو مطلوب رعایت کند به خصوص در شرایطی که الزامات حرفه‌ای و نظارت بر عملکرد این قبیل شاغلان در مراحل ابتدایی خود قرار دارد. با این حال میزان اعمال استانداردها توسط این دسته نیز دارای طیف گسترده‌ای است که بستگی به تواناییهای حرفه‌ای فردی هر یک از آنان دارد.

در خصوص چگونگی رعایت استانداردها از سوی دسته آخر شاغلان این حرفه، به دلیل ناشناس بودن هویت حرفه‌ای آنان اظهار نظر امکانپذیر نیست، لیکن در خوش بینانه‌ترین حالات، حداکثر مشابه دسته سوم خواهند بود. با وجود پیشرفت قابل ملاحظه حسابرسی در ایران، این حرفه تاکنون جایگاه شایسته خود را نیافته و از دلایل مهم این امر، ضعف کیفیت حسابرسیهای انجام شده است.

همان گونه که اشاره شد وجود الزامات حرفه‌ای و قانونی و مهمتر از هر چیز دیگر، پایبندی و اعتقاد شاغلان حرفه، موجب ارتقا و تضمین کیفیت هر کار حرفه‌ای است. با توجه به ویژگیهای گروههای شاغل پیشگفته، اگرچه در موسسات دسته اول و تا حدی دسته دوم (در دسته دوم با طیف متفاوت) استانداردهای حسابرسی و در نتیجه استانداردهای کنترل کیفی اعمال می‌شود، لیکن به دلیل کمبود الزامات و نظارت‌های حرفه‌ای و قانونی، نظام کنترل کیفیت موجود کافی به نظر نمی‌رسد. این نابسندگی، در عملکرد شاغلان انفرادی عضو جامعه به نظر می‌رسد به مراتب بیشتر باشد.

جهت ارتقای نظام کنترل کیفیت در حرفه حسابرسی موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

- ۱- استقرار نظام مناسب کنترل کیفیت بر عملکرد کلیه حسابرسان اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران صرف نظر از چگونگی اشتغال آنان در گروه‌بندی فوق،
- ۲- اعمال نظارت مداوم و موثر بر عملکرد حسابرسان در ابعاد مختلف از قبیل صلاحیت فنی و حرفه‌ای، توانایی انجام کار و کیفیت کارهای انجام شده توسط آنان،
- ۳- استقرار نظام بازآموزی مستمر کلیه شاغلان،
- ۴- فراهم آوردن زمینه‌های لازم جهت ممانعت از انجام حسابرسی توسط افراد غیر عضو جامعه حسابداران رسمی ایران.



محمد جواد صفاری (رئیس هیئت نظار بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران)

مفهوم کنترل کیفیت در محیط کسب و کار در محدوده مشتری‌مداری معنا می‌یابد. در حرفه حسابرسی نیز کنترل کیفیت در همین راستا درخور طرح است؛ با این تفاوت اساسی که اولاً مفهوم مشتری‌مداری در این حرفه گسترده‌تر از معنی معمول آن است و به کلیه افراد ذینفع و ذیعلاقه و ذی‌مدخل اطلاق و تاکید می‌گردد و ثانیاً کنترل کیفیت در حرفه حسابرسی بخشی از ساز و کار درونی آن شناخته می‌شود و به ویژه از اهمیت چشمگیری برخوردار است.

در حرفه حسابرسی بررسیهای کیفی در قالب رسیدگیهای همیشگان انجام می‌پذیرد. مفهوم ضمنی این بررسی بیانگر آن است که منافع دراز مدت هر حسابرس و موسسه حسابرسی در گروی اعتماد جامعه به کل حسابرسان از جمله موسسات حسابرسی است. به عنوان یک اصل، حسابرسان نیازمند جلب اعتماد جامعه استفاده‌کنندگانند. ساز و کار کنترل کیفیت در پی آن است که این باور را در جامعه استفاده‌کنندگان ایجاد کند که کار در مجموعه حرفه به درستی انجام می‌شود و از کیفیت مناسبی برخوردار است.

مقدمه کوتاه پیشگفته گویای آن است که سازوکار کنترل کیفیت اساساً فرایندی درازمدت است و وظیفه ارتقای حرفه حسابداری را در درازمدت به عهده دارد. موفقیت جامعه حرفه‌ای در نیل به هدفهای خود تابع موفقیت آن در دستیابی به هدفهای کنترل کیفیت است. به دلیل اهمیت کنترل کیفیت، استاندارد بین‌المللی حسابرسی شماره ۲۲۰ و بخش ۲۲ استانداردهای حسابرسی ایران به تفصیل به این موضوع پرداخته است. اجرای کنترل کیفیت در قالب سیاستها و روشهای کنترل کیفیت بیان شده است و اعمال آن متضمن برنامه ریزی درازمدت است. از طرفی رعایت ضوابط کنترل کیفیت هزینه‌های خاص خود را دارد و بدین گونه است که برخی موسسات از نظر کنترل کیفیت (هم در سطح موسسه حسابرسی و هم در سطح هرکار حسابرسی) از وضعیت مطلوبی برخوردارند، برخی در میانه راهند و برخی یا به تازگی شروع کرده‌اند و در آغاز راهند و کمی نیز ممکن است هنوز اهمیت موضوع را در نیافته باشند.

اساساً پس از گذشت ۵۵ سال از زمان تصویب و لازم‌الاجرا شدن، استانداردهای حسابرسی در ایران کاملاً جا افتاده است و تا حدود زیادی رعایت می‌شود. موضوع کنترل کیفیت نیز در همین محدوده درخور بررسی است. اما به هر حال مشکلات خاص خود را، به‌ویژه از نظر ملا حظات هزینه و درآمد، بالاخص در کوتاهمدت، دارد. به بیان دیگر اگرچه سازوکار کنترل کیفیت از جنبه نظری برای موسسات کاملاً جا افتاده، به‌ویژه با توجه به مراجعات و بازرسیهایی که از سوی جامعه حسابداران رسمی ایران به عمل آمده است، اما لزوم سرمایه‌گذاری در این زمینه، به خصوص از سوی موسسات کوچک ظاهراً توجیه‌پذیر محسوب نمی‌شود. صرف نظر از این مطلب، کنترل کیفیت در موسسات حسابرسی روندی روبه رشد دارد و به نظر می‌رسد این روند در آینده نیز ادامه داشته باشد. در این زمینه از یک طرف نقش جامعه حسابداران رسمی ایران بسیار با اهمیت است، چرا که یکی از وظایف اصلی آن، کنترل کیفیت اعضای خویش است. از طرف دیگر سازمان حسابرسی نیز می‌تواند با استمرار فعالیتهای کنترل کیفیت درونی خود، نقش با اهمیتی در این خصوص ایفا کند. آینده حسابرسی منوط به هماهنگی و همکاری بین جامعه حسابداران رسمی ایران، سازمان حسابرسی، و سازمان بورس اوراق بهادار به عنوان نماینده استفاده‌کنندگان و اصلی‌ترین مخاطب گزارشهای حسابرسی است. در این زمینه اقداماتی در جریان است که تداوم آنها در آینده از اهمیت زیادی برخوردار است. آینده حرفه حسابرسی عمومی منوط به کیفیت این هماهنگی و همکاری است. و کلام آخر این که کنترل کیفیت ضامن بقای حرفه حسابرسی است. آنان که به فردامی اندیشند، نسبت به کنترل کیفیت در هر دو سطح مطرح شده آن حساس خواهند بود و روز به روز نسبت به اجرای دقیق تر ضوابط آن تلاش خواهند کرد. اینچنین باد!



ابراهیم نعمت پژوه

(عضو هیئت عامل سازمان حسابرسی، عضو کمیته تدوین استانداردهای حسابداری،

رئیس کمیته فنی سازمان حسابرسی)

مبحث کنترل کیفیت و نظارت، دارای دامنه گسترده‌ای است و نمی‌توان با بحثی مختصر حق مطلب را آن طور که باید ادا کرد. با این حال سعی می‌شود در سطور آینده، گذری کوتاه بر این مقال داشته باشیم. در رابطه با میزان رعایت استانداردهای حسابرسی از سوی حسابرسان در ایران، هرچند به دلیل نبود تحقیق علمی قابل اتکا و مشخصی در این زمینه، اعلام نظر قطعی امکانپذیر نیست، لیکن نتایج حاصل از کنترل کیفیتهای انجام شده (چه

در سطح سازمان حسابرسی و چه در سطح جامعه حسابداران رسمی ایران) گویای آن است که ما در این زمینه با وضعیت ایده‌آل، فاصله زیادی داریم. البته در قضاوت نسبت به این امر نباید به این واقعیت بی‌توجهی شود که موضوع مزبور، همانند بسیاری از امور دیگر، امری نسبی است. علاوه بر این، باید در این رابطه به اوضاع و احوال و شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشورمان نیز توجه کنیم تا از واقعیت دور نیفتیم و به خطا نرویم. لذا شاید ضرورت نداشته باشد وضعیت ایده‌آل را به عنوان یک معیار سنجش به کار ببریم بلکه باید آن را هدفی در جهت تصحیح مسیر و جبران خطاهایمان در نظر بگیریم.

در رابطه با کفایت یا عدم کفایت نظام کنترل کیفیت در حرفه حسابرسی در ایران، چند موضوع اصلی وجود دارد که سعی می‌شود در زیر به طور خلاصه به آنها اشاره شود.

در کشورهای غربی یکی از عوامل مهم موثر بر کیفیت گزارشهای حسابرسی، نظارت و پیگیری موشکافانه استفاده‌کنندگان

صورت‌های مالی و گزارش‌های حسابرسی است، به نحوی که در صورت کشف خطایی در این زمینه، موضوع به صورت شکایت در مراجع قضایی مطرح شده و ادعای جبران خسارت و... در این رابطه هزینه‌های سنگینی را متوجه موسسات حسابرسی می‌کند. وجود این امر از یک سو، و سرعت در خور توجه سیستم قضایی در رسیدگی به این امور از سوی دیگر، موجب می‌شود موسسات حسابرسی جهت پرهیز از تحمل هزینه‌های سنگین، بر کیفیت گزارش‌های خود بیفزایند و بر اساس اصل فزونی منافع بر هزینه‌ها، از صرف هزینه برای ارتقای کیفیت کارهای حسابرسی خودداری نکنند. اما در ایران به دلیل نبود شرایط مزبور، و با اتکا به همان اصل فزونی منافع بر هزینه‌ها، موسسات حسابرسی کمتر به تدوین و استقرار نظام کنترلی مناسب برای حفظ و ارتقای کیفیت کارهای حسابرسی می‌پردازند و این شرایط باعث می‌شود که وظیفه ارگانهای نظارت‌کننده و کنترل‌کننده کیفیت کارهای حسابرسی در ایران بسیار بیشتر از آن چیزی شود که در کشورهای غربی مرسوم است. از سوی دیگر اعمال نظارت بیرونی بر کیفیت کارهای حسابرسی از قبیل «کنترل کیفیت کار پس از صدور گزارش» (Cold Review)، و «کنترل کیفیت کار توسط حسابرس همکار» (Peer Review) زمانی امکانپذیر و نتایج آن در خور اتکاست که ما از وجود و اعمال «نظارت در حین انجام کار» (Hot Review)، که در آن هر رده از تیم حسابرسی در حین انجام کار، کیفیت کار انجام شده توسط رده پایینتر از خود را کنترل می‌کند، اطمینان پیدا کرده باشیم. تجربه‌های موجود حاکی است که اعمال نظارت در حین انجام کار در ایران به نحو مناسبی صورت نمی‌گیرد (و اگر انجام شود نیز به درستی مستند نمی‌گردد) لذا سنگ بنای نظام کنترل کیفیت در ایران از همان ابتدا ناقص است. پیشنهاد این است که تا زمان ایجاد نظام نظارت توسط استفاده‌کنندگان گزارش‌های حسابرسی و سیستم قضایی کشور، علاوه بر انجام کارهای فرهنگی توسط جامعه حسابداران رسمی جهت استقرار مناسب نظام کنترل کیفیت در حین انجام کار، کمیته کنترل کیفیت جامعه حسابداران رسمی ایران چه به لحاظ تشکیلاتی و چه به لحاظ بودجه‌ای بیش از حد موجود گسترش یابد و ضمانت اجرایی موثری نیز برای برخورد با موسسات و اعضای خاطی ایجاد شود. در این مسیر، استفاده هر چه بیشتر از افراد متخصص، صاحب نام و بیطرف توصیه می‌شود. همچنین مناسبتر خواهد بود چنانچه روش کار به نحوی طراحی و اجرا شود که پس از انجام هر کار کنترل کیفی، نتایج و یافته‌های کار با موسسه یا شخص مورد کنترل مطرح و تبادل نظر شود تا علاوه بر تصحیح افراد کنترل‌کننده و کنترل شونده و نتایج حاصل از کنترل، زمینه تبادل افکار و کشف نقاط ضعف (به منظور تلاش در جهت رفع آنها) فراهم شود و در جامعه نیز چنین القا نشود که کنترل‌کنندگان تنها به قاضی رفته‌اند.



مرتضی نوبخت

حسابدار رسمی - مدیر ارشد سازمان حسابرسی

تاکنون آمار و یا نتایج رعایت استانداردهای حسابرسی به وسیله حسابرسان مستقل و یا موسسات حسابرسی توسط مرجعی بیطرف منتشر و یا اعلام نشده و دیدگاههایی که ارائه می‌شود تجربیات شخصی افراد است. به نظر این جانب چون سطح درآمد تعداد زیادی از حسابرسان چندان مناسب نبوده و در موقعیت اجتماعی نسبتاً خوبی قرار ندارند، لذا نمی‌توان توقع چندان نیز از رعایت کلیه استانداردها از سوی حسابرسان داشت. به هر حال به نظر بنده با تجربیات حاصل، حدود چهل تا پنجاه درصد از استانداردهای حسابرسی در ایران رعایت می‌شود.

بحث کنترل کیفی و نظام کیفی در ایران جدید است و تا رسیدن به یک نظام کنترل کیفی نسبتاً مناسب، راهی طولانی در پیش است ولی مهم این است که راه درست انتخاب شود تا به تدریج این مهم به دست آید. نظام کنترل کیفی فعلی در ایران به لحاظ پیگیری نکردن نتایج کنترل کیفی و برخورد نکردن که عمده‌تأثیری از ذینفع بودن عناصر ذی‌مدخل در این مبحث است، پیشرفت چندان نا داشته است. به نظر این جانب، تهیه یک نظام کنترل کیفی مناسب برای ایران، استفاده از افراد کاملاً بیطرف و متخصص، فرهنگ سازی و تبلیغ تاثیر خدمات حسابرسان مستقل در سطح جامعه، برخورد اصولی و نه گزینشی با افراد متخلف، انتشار نتایج کنترل کیفی، از جمله پیشنهادهای عمده برای ارتقای کیفیت خدمات حسابرسی است.